



بدون بن بست

عیدانه‌ای برای تو

انجمن مخفی یهود

متفاوت عیدی بدهیم





# بیت‌المقدس

پروردگارا! در چنین روزی با تو تجدید عهد  
می‌کنم تا بعد از این، در تمام روزها این عهد و  
بیعت بر گردنم بماند: تغییر نیابد و هرگز از بین نرود.  
بفشر از «رعاش عهد»

## آنچه در نوعهدان ۱۹ می‌خوانید...

حرف اول: حضور ناگهان / ۴

پله‌های احساس: عیدهای خیالی بدون تو! / ۶

عبرت ایام: عیدانه‌ای برای تو / ۲۰

داستان: روش چماغی!! / ۲۲

آشنای غریب: ویژگی‌های امام زمان (عج) - ندای اختصاصی / ۸

ذخیره خدا: بدون بن‌بست / ۱۰

نشانه‌های آمدن: آینده‌ای که گذشت / ۱۴

پرسش از موعود: نقش ایرانیان در ظهور / ۱۸

ردپا: پیشوایان تاریکی - انجمن مخفی یهود / ۲۴

حرف حساب: همیشه خندان باشیم / ۲۸

سواد رسانه: مصرف‌گرایی / ۳۰

خوش‌اخلاق: متفاوت عیدی بدهیم / ۳۲

آیا می‌دانید؟! ... : ۱۴۰۰ < ∞ / ۳۸



مدیر مسئول و سردبیر:  
اسماعیل شفیعی سروستانی

هیئت تحریریه:  
مریم محبتی، مریم پاک‌آئین، شیدا سادات آرامی  
طراح و صفحه‌آرا:  
سمانه تقفی



نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۰۲۳

شماره تماس موعود: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۰۳۷

نشانی: تهران، صندوق پستی ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

فروشگاه اینترنتی محصولات موعود: [www.yaranshop.ir](http://www.yaranshop.ir)

نشانی در پیام‌رسان‌ها: @mouood\_org





## حضور ناگهان

انگار همین دیروز بود. در چشم به هم زدنی نیمه شعبان رسید؛ اما افسوس که انتظار ما سر نرسید. انتظاری سخت برای بسته شدن دفتر ظلم و بیداد و نامردمی در عرصه زمین. انتظار دیدار بزرگترین، شریف‌ترین و صمیمی‌ترین مرد منتظر تاریخ؛ اما اگر چشم دل باز کنی خواهی دید که همه عالم گواه و شاهد گذر سریع زمان و نویددهنده فرا رسیدن بهاری خجسته است. چرا که او خود بهار همه آفریده‌های خداوند است.

او در انتظار حکم خداوند است و شاید در انتظار مردان مردی که در رکابش گوش به فرمان می‌باشند.

آیا در خیل همه برپاکنندگان جشن و سرور نیمه شعبان ۳۱۳ یار وفادار هست؟  
وای بر ما اگر روزی دریافته شود که همه ما تنها هوادار و دوستدار او بوده‌ایم و نه منتظر...!

در همه سال‌ها و ماه‌های گذشته دلخوش به حضور «جوانان موعودی» در میان این شهر و دیار بوده‌ایم. از آن رو که یاران حضرت جملگی جوانند و از آن رو که عموم وفادارانش جوانانند. چرا که بسیار خوانده‌ایم که چونان شهابی تند به ناگهان از پس پرده غیب آشکار می‌گردند و جهانیان را ندا می‌دهند که: اینک منم مهدی! او که منتظرش بودید.

برای دیدار آن عزیز، برای به پایان رسیدن دفتر انتظار و بالأخره برای به صدا درآمدن زنگ مرگ همه بیداد و ستمگری در پهنه خاک تنها و تنها یک راه وجود دارد: انتظار. ورود در خیل منتظران و آمادگی برای استقبال از او.

بی‌گمان خواننده‌ای که وقتی علی(ع)، مواجه با درخواست و هجوم مردم به در خانه‌اش شد، پذیرای خلافت گشت و حسین(ع)، آنگاه که نامه‌های بی‌شمار کوفیان را مشاهده کرد، با جمع عزیزان راهی «کربلا» شد.

امام مهدی(عج)، فرزند آن امامان گرانمایه و ولی و حجتی است که اگر خواننده شود، می‌آید؛ چونان همه اولیاء که لَبَّیک گویی دعوت مردم بوده‌اند. وقتی او را بر خود ترجیح دادیم، وقتی او را بر دنیا و آنچه در آن است ترجیح دادیم، وقتی خواست او را بر تمنای کوچک دنیایی خود برتر دانستیم، صدایش را خواهیم شنید و سیمایش را خواهیم دید. بیا تا با هم و دست در دست همچنان رنگ و بوی انتظار را بر در و دیوار این دیار بزنیم که اگر از میانمان و از شهر و کوچه و خیابانمان گذشت، بماند.

عید جدیدی آمد و آغاز سالی است  
 آقای من! این بار هم جای تو خالی است  
 وقتی که لب می‌خندد و دل غرق آه است  
 یعنی که بی تو عیدهای ما خیالی است  
 ما غائبیم از محضرت که روسیاهیم  
 آثار با خورشید پیوستن زلالی است  
 چشمان تو از غصه‌های ما پر از اشک  
 اوقات ما از یاد تو اما چه خالی است!  
 ماه رُخت را در شب گیسو می‌پوشان  
 در شام هجران بی‌گمان صبح وصالی است  
 دل‌های بیدار و... جهانی چشم در راه  
 در انتظارت جمعه‌های ما سؤالی است  
 «بحرین» و «غزه» لاله لاله، ندبه خوانند  
 دنیا اسیر دست قومی لا اُبالی است  
 پایان کار ظالمان با ذوالفقار است  
 برگرد با تو شوکت مولی الموالی است



# عیدهای خیالی بدون تو!

سهیل عرب





# ویژگی‌های امام ندای زمان (عج): اختصاصی

مریم پاک آئین



این ندای اختصاصی و منحصر به فرد، ندایی است که در نزدیکی وقت ظهور، از حضرت جبرئیل (ع) به گوش همهٔ مردم جهان می‌رسد که اعلام می‌کند حق با حضرت علی (ع) و فرزندان ایشان است.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «منادی از آسمان ندا می‌دهد: «فلان بن فلان امام است و نام او را می‌برد.»<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه: «گوش بسپار به روزی که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد.»<sup>۲</sup> چنین فرمودند:

«منادی به اسم قائم (عج) و اسم پدرش ندا می‌کند.»<sup>۳</sup>

تنها کسی که برای او چنین ندایی در کل عالم، نواخته می‌شود، حضرت صاحب الامر (عج) است. به همین خاطر ندای آسمانی به اسم آن حضرت از ویژگی‌های ممتاز ایشان است.

امام باقر (ع) دربارهٔ این ندا فرمودند: «در خبری که منادی از آسمان به اسم قائم (عج) ندا می‌کند، پس کسی که در مشرق و در مغرب است، می‌شنود. خوابیده‌ای نمی‌ماند؛ مگر آنکه بیدار می‌شود و ایستاده‌ای نمی‌ماند؛ مگر آنکه می‌نشیند و نشسته‌ای نمی‌ماند؛ مگر آنکه از خوف آن صدا برمی‌خیزد.» و در ادامه فرمودند: «این صدا در شب جمعهٔ بیست و سوم ماه رمضان از جبرئیل است.»<sup>۴</sup>

همچنین از ایشان روایت شده است که در توصیف علائم ظهور فرمودند: «اگر این امر (یعنی علائم دیگر ظهور) شما را به اشتباه بیندازد، صدا از آسمان به اسم او و امرش شما را به اشتباه نمی‌سازد.»<sup>۵</sup> ماه رمضان نزدیک است! گوش‌هایمان را تیز کنیم و امیدوارانه دعا کنیم! شاید ندایی جهانی به گوش رسید...

پی‌نوشت‌ها:

۱. «کمال الدین و اتمام النعمه»، ص ۶۵۰.
۲. سورهٔ ق، آیهٔ ۴۱.
۳. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۳۲۷.
۴. «الغیبه»، ص ۲۵۴.
۵. «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۶۵.

منبع احادیث به کار رفته: نه‌اوندی، علی اکبر، «العبری الحسان»، ج ۷، صص ۳۳۲-۳۳۵.

بدون

## بن بست

علی زینالی

اصل مهدویت مورد اتفاق همه مسلمانان است. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را دارند؛ ولی کامل‌ترین و صحیح‌ترین درک را از منجی، کامل‌ترین دین و مذهب، یعنی شیعه دارد؛ فرزندی از نسل فاطمه و علی(ع).

نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق. شب هنگام، سکوت در تمام «سامراء» جریان داشت؛ گویی هیچ کس نمی‌دانست که قرار است منجی عالم، آن شب پا به جهان بگذارد. در آن شب، دُرْدانه آفرینش الهی متولد شد؛ تولدی شگفت‌انگیز، همراه با معجزه. معجزه‌ای از جنس سخن‌گفتن حضرت عیسی(ع) در گهواره.

امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «به خدا سوگند! خداوند فرزندی به من عطا خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود.»<sup>۱</sup>

وجود نازنین و مقدّس امام زمان(عج) استمرار حرکت نبوت و دعوت‌های الهی است؛ یعنی انسان‌ها هیچ موقع بی‌نیاز به تکیه‌گاه و پشتیبان نبوده و نخواهند بود. زمین هیچگاه خالی از فرستاده الهی نخواهد بود؛ تکیه‌گاه و پیشوای عصر ما، حضرت مهدی(عج) است تا در دام شیطان نیفتیم و راحت‌تر بتوانیم مسیر حرکت به سوی خدا را پیش بگیریم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ»<sup>۲</sup>

سلام بر تو ای دعوت‌کننده به سوی خدا.

حال آنکه مولای ما، حضرت مهدی(عج) در غیبت است و ما شیعیان از حضور ایشان محرومیم،

- چه باید بکنیم؟
- وظیفه مؤمنان در این زمان چیست؟

پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می‌فرمایند: «برترین کارهای امت من، انتظار فرج است.»





فرج به معنای گشایش،

به این معنا که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن

است و فرج نهایی، همان ظهور منجی عالم،

حضرت حجت(عج) است که دنیا پر از عدل

و داد خواهد شد، عالم رنگ خدایی، محبت و معنویت به خود

می‌گیرد و از ظالمان پاک خواهد گردید. به همین دلیل انتظار فرج

از بهترین کارهاست؛ چون سبب بهترین اتفاق‌ها، یعنی همان ظهور

منجی عالم، حضرت صاحب الزمان(عج) می‌شود.

انتظار، وظیفه هر مؤمن است.

انتظار یک عمل است، بی‌عملی نیست.

نباید اشتباه کرد که انتظار یعنی دست روی دست

گذاشتن و کاری نکردن؛ برعکس، انتظار، یعنی همه

کارها را برای امام زمان(عج) انجام دادن.

انتظار، کلید ظهور است. انتظار یک آماده‌سازی است. یک

نشاط و تحرک در همه زمینه‌ها برای سریع‌تر شدن ظهور امام

زمان(عج). انتظار نور امید در دل مؤمنان است و نهال منتظر

بودن را باید از نوجوانی در دل خود کاشت. انتظار یعنی

همت بلند برای ساختن جامعه مهدوی.

انتظار، یعنی نزدیک شدن به امام زمان(عج).

یعنی شبیه شدن به یاوران ایشان.

انتظار، یعنی حضور امام زمان(عج) را

در هر کارمان احساس کنیم. یعنی

خود و کارمان را برای ایشان خالص کنیم.

منتظر واقعی زندگی خود را به زندگی امام زمان(عج) گره

می‌زند. انتظار، یعنی شرایط ظهور را در جامعه خود به وجود

بیاوریم و تمام این کارها را زمانی می‌توانیم انجام دهیم که

نسبت به دین و امام زمانمان شناخت و علم داشته باشیم؛

آن زمان است که می‌توانیم در راه ایشان قدم برداریم و

منتظر واقعی باشیم.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «هر کس بمیرد و امام

زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلی مُرده است.»

و گویاست که با مرگ جاهلی سعادت اخروی

حاصل نمی‌شود.

مدعی گوید که با یک گل نمی‌آید بهار

من گلی دارم که دنیا را گلستان می‌کند

پی‌نوشت‌ها:

۱. «غیبت طوسی»، ص ۱۲۳.

۲. فرازی از زیارت آل یاسین.



# آینده‌ای که گذشت

پ. میعاد

شاید تعجب کنید اگر به شما بگوییم بیشتر نشانه‌های ظهور واقع شده و ما منتظر پنج نشانه حتمی ذکر شده در میان روایات هستیم. از میان پیش‌بینی‌های معصومان(ع) درصد بسیار بالایی از وقایع، محقق شده و چند نشانه پایانی باقی مانده است.

برای مثال به چند نمونه قطعی از نشانه‌های محقق شده ظهور اشاره می‌کنیم:

## ۱ انحراف و فساد بنی‌عبّاس

زمانی که هنوز بنی‌امیه هم بر سر کار حکومت نیامده بودند، پیامبر اکرم(ص) به عبّاس، عمویشان هشدار دادند که فرزندان آن عمو، چه بلایی بر سر فرزندان برادر زاده‌ها (یعنی اهل بیت رسول اکرم(ص)) می‌آورند.<sup>۱</sup> بعد از آن هم امام باقر(ع) ۱۸ سال پیش از فروپاشی بنی‌امیه، اختلافات بنی‌عبّاس را پیش‌بینی کردند و سقوط آنها را حتمی دانستند.<sup>۲</sup>



## ۲ اختلاف اهالی شرق و غرب

اگر فرض کنیم که انسان سیاسی فعالی نیستید و اخبار تلویزیون را نمی‌بینید، روزنامه هم نمی‌خوانید، در سایت‌ها و کانال‌های اجتماعی هم حوصله خواندن خبرهای سیاسی و روز جهان را ندارید، حتماً به گوشتان خورده است که چه اختلافات عمیقی بین مشرق‌زمینیان و غربی‌ها وجود دارد! این اختلاف، در بیان ائمه (ع) پیش‌بینی شده بود. حتی آنها فرموده بودند که بین کسانی که «هم‌قبله» اند (یعنی فرقه‌های مختلف مسلمانان) نیز اختلافات بسیار می‌افتد؛ چنانچه امروز شاهدش هستیم.<sup>۳</sup>

## ۳ انحراف جامعه اسلامی

انحراف از منظر ائمه اطهار (ع) زمانی اتفاق می‌افتد که رهبران فاسق و ناپاک زمام امور جهان را در دست می‌گیرند و مردم را از مسیر درست و مسیری که ائمه به آن راه می‌نمایاندند، منحرف می‌کنند. برای نمونه پادشاه شبه جزیره «عربستان» نمونه یک حاکم ظالم است! باقی ماندن این رهبران ظالم به این خاطر است که ظالمان از آنها حمایت می‌کنند و مردم نیز از ترس به گوشه‌ای می‌خزند تا زمان ظهور منجی برسد.<sup>۴</sup>

این حدیث را ببینید:

«کوفه از حضور مؤمنان خالی خواهد شد و علم از آن رخت برخواهد بست، همانند ماری که به لانه خویش خزیده باشد، سپس در شهری که به آن «قم» می‌گویند، نمایان می‌شود و آنجا معدن علم و فضل می‌گردد. به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی‌ماند؛ حتی عروسان حجله‌نشین.»<sup>۵</sup>

همان‌طور که می‌دانید، امروز از شهر قم به دیگر شهرهای مذهبی جهان، علم و دین صادر می‌شود و بسیاری از طلاب علوم دینی در این شهر تحصیل می‌کنند.

ظهور علم در قم

۴

جالب اینجاست که زمانی که این سخن از زبان امام صادق (ع) بیرون آمد، مردم قم، آتش‌پرست بودند!

پی‌نوشت‌ها:

۱. «بشارة الاسلام»، ص ۱۱.
۲. «الغیبه نعمانی»، ص ۱۷۵.
۳. همان
۴. «بشارة الاسلام»، ص ۵.
۵. «منتخب الاثر»، ص ۴۴۳؛ امینی، ابراهیم، «حوارات حول المنقذ (دادگستر جهان)»، ص ۲۹۶.

# نقش ایرانیان در ظهور



**پرسش:** آیا در میان سیصد و سیزده یاران خاص امام زمان(عج) از ایرانیان نیز کسانی وجود دارند؟ و به طور کلی، نقش ایرانیان در ظهور امام مهدی(عج) چیست؟

آنچه از روایات فهمیده می‌شود، این است که این سیصد و سیزده تن، از یاران اصلی حضرت مهدی(عج) بوده و فرماندهی سپاه ایشان را برعهده دارند و دارای ویژگی‌های خاصی، نظیر ایمان قوی، اخلاص، توانایی بالای مدیریتی و آگاه به دین اسلام هستند تا بتوانند از عهده مسئولیت سنگینی که به عهده دارند، برآیند.

روایاتی وجود دارد که به طور مختصر اشاراتی به سرزمین‌های یاران امام زمان(عج) داشته و از **ایران**، **شام**، **یمن**، **حجاز**، **عراق** و دیگر نقاط به عنوان محل زندگی آنها نام برده است. در برخی از این روایات می‌بینیم که تعداد زیادی از یاران خاص (یعنی ۳۱۳ نفر) امام عصر(عج) از شهرهای مختلف ایران هستند.

علاوه بر این ۳۱۳ نفر که فرماندهان و حاکمان امام زمان(عج) هستند، مؤمنان بسیاری نیز به یاری ایشان می‌شتابند و زمینه‌های ظهور ایشان را فراهم می‌کنند.

در این دسته از روایات مربوط به زمینه‌سازی حکومت آن بزرگوار، ایرانیان سهم مهمی دارند. برای مثال، از امام کاظم(ع) روایت شده که فرمودند: «مردی از **قم**، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان، همچون پاره‌های آهن محکم است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند. اعتماد آنها بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است.»<sup>۱</sup>

عقّان بصری از امام صادق(ع) روایت کرده و گفت: امام(ع) به من فرمودند: «آیا می‌دانی از چه رو این شهر را قم می‌نامند؟» عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترند. فرمودند: «همانا قم نام‌گذاری شده برای اینکه اهل قم، اطراف قائم(عج) گرد آمده و با وی قیام می‌نمایند و در کنار او ثابت‌قدم مانده و او را یاری می‌کنند.»<sup>۲</sup>

همچنین از حضرت علی(ع) نقل شده است که فرمود: «خوش به حال **طالقان**! خداوند متعال گنج‌هایی در آنجا دارد که نه از طلاست و نه از نقره؛ امّا در آن سرزمین مردانی وجود دارند که خدا را آن‌طور که شایسته معرفت است، شناخته‌اند و آنان، یاران مهدی در آخرالزمان هستند.»<sup>۳</sup>

باید بدانیم که روایات از اهل طالقان سخن گفته‌اند؛ طالقانی در ایران داریم و طالقانی در «افغانستان» که هر دو در سرزمین ایران و «خراسان» بزرگ (در گذشته) قرار دارند. بنابراین می‌توان گفت ساکنان خراسان، نقش مهمی در ظهور امام زمان(عج) ایفا می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. علی کورانی، «عصر ظهور»، ص ۲۳۷.
۲. همان، ص ۲۳۹.
۳. همان، ص ۲۵۸.



# عیدانه‌ای برای تو

عطیه پاک آئین

یادمان می‌رود که تو خودت «ربیع الانامی»<sup>۱</sup> و بهار واقعی با تو معنا می‌شود. یادمان می‌رود تو قرآن به دست کنار یکی از همین هفت‌سین‌ها نشسته‌ای و تک تکمان را به اسم کوچک یاد می‌کنی و برای خیر و برکت زندگی‌امان در سال جدید، دعا می‌کنی.

یادمان می‌رود که هفت‌سین تو هنوز یک سین بزرگ کم دارد و سیصد و سیزده یار جوانمردت کمر همت نبسته‌اند.

تو خودت بهاری!

هر کجا که قدم می‌گذاری، بهار را بارور می‌کنی. امسال اگر آمدی و کنار هفت سینمان نشست و ما هنوز خواب بودیم، برای بیداری مان زیاد دعا کن. قول می‌دهیم بیشتر از هر سالی برای قدم‌های بهاری‌ات لحظه شماری کنیم.

\*\*\*

حاجی فیروز توی کوچه می‌دود و صدای ساز و آواز آجر همه خانه‌ها را قلقلک می‌دهد. پیرزن تازه از خواب پریده بود و جای قدم‌های عمو نوروز، بذر گل همیشه بهار می‌پاشید...

پی‌نوشت:

۱. ربیع الانام به معنای بهار روزگاران عبارتی است که در دعایی خطاب به امام زمان (عج) می‌خوانیم: «سلام بر تو ای بهار روزگاران!»

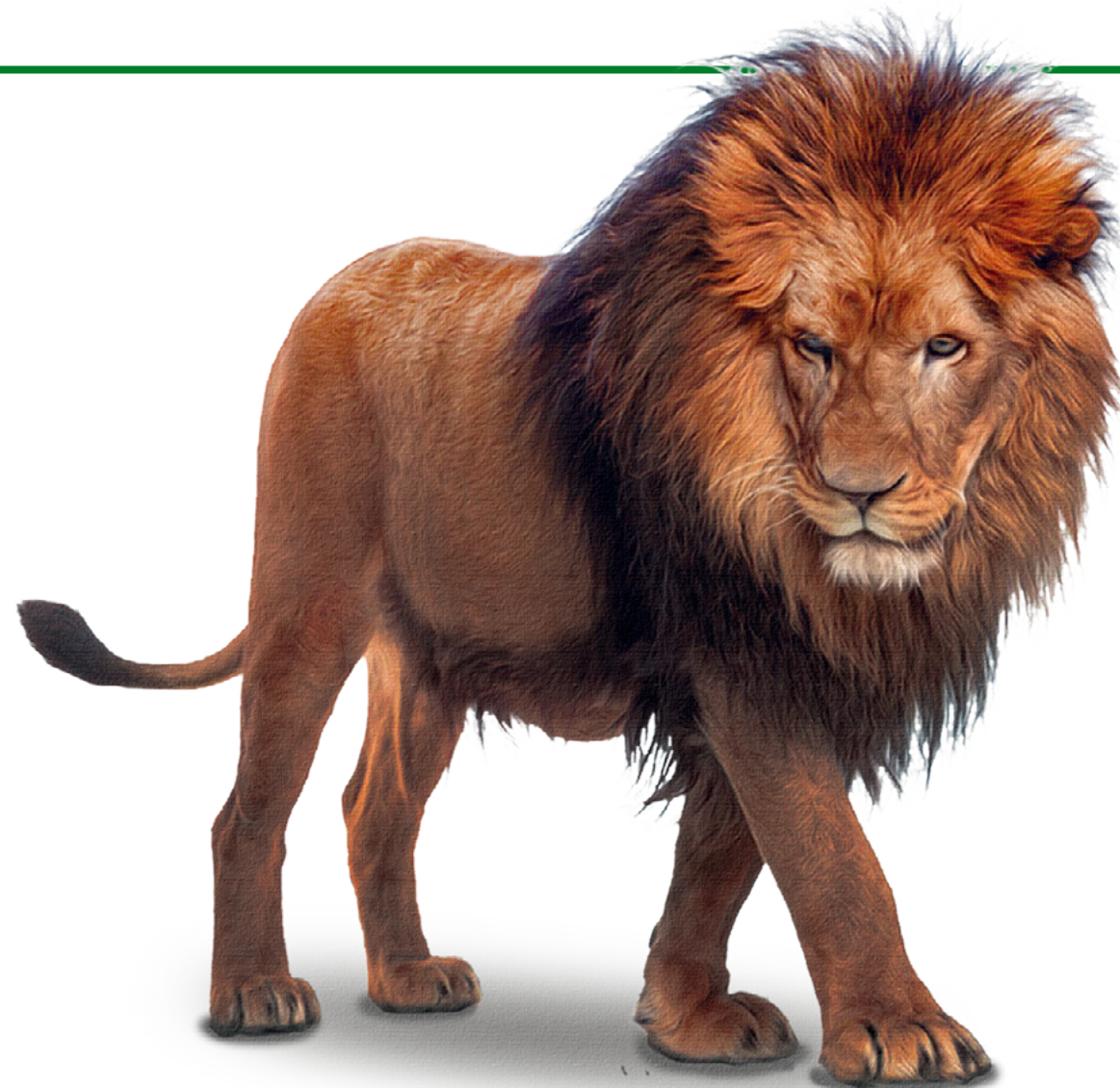


حاجی فیروز توی کوچه می‌دوید و صدای ساز و آواز آجر همه خانه‌ها را قلقلک می‌داد. پیرزن پنجره را باز کرد و بهار را آرام بوید. دستی به کمر زد و خاکی از روی طاقچه‌ها برداشت. هفت سینش را روی ایوان چید و لباس‌های تازه اش را پوشید. پیرزن از سر سال، روز و شب منتظر عمو نوروز مانده بود تا عمو را ببیند و عطر بهار را از وجودش استشمام کند.

پیرزن، هر سال قبل از آمدن «عمو نوروز» گوشه سفره می‌نشست و آرام قرآن می‌خواند؛ آنقدر به در خیره می‌ماند تا خواب چشم‌هایش را پر می‌کرد و وقتی بیدار می‌شد، می‌دید عمو نوروز باز هم آمده و رفته و تا سال دیگر یک دنیا حسرت برای پیرزن باقی گذاشته. می‌بینی؟

حکایت «عمو نوروز» درست به تو می‌ماند: که از سر سال منتظر آمدنت می‌نشینیم و دست به دعا برمی‌دازیم و دانه‌های تسبیحمان را پشت سر هم قطار می‌کنیم و نامت را فریاد می‌زنیم... و درست وقتی لحظه آمدنت نزدیک می‌شود، خواب غفلت فرا می‌گیردمان.

هر جمعه کوچه‌هایمان را آب و جارو می‌کنیم و گرد و خاک را از وجودمان کنار می‌زنیم و تمام قد به انتظارت می‌مانیم و... غروب که شد با «آل یاسین» هایمان قربان صدقه همه وجودت می‌رویم و وقتی نمی‌آیی، دوباره حسرت به دل، منتظر جمعه دیگر می‌نشینیم.



## روش چماغی!!

شیر و گرگ و روباه با هم زندگی می‌کردند. روزی به شکار رفتند و یک الاغ، یک آهو و یک خرگوش به چنگ آوردند. غذاها را به لانه شیر، که رئیس گروه بود، بردند. شیر از گرگ خواست که غذا را تقسیم کند. گرگ نگاهی به لاشه‌های شکار انداخت و از روی قَد و هیکل به این شکل تقسیم کرد: قربان! الاغ برای شما، آهو برای من و خرگوش برای روباه.

شیر تا این را شنید، به خشم آمد و با یک ضربه محکم سر گرگ را از بدن جدا کرد. سپس رو به روباه کرد و گفت: این گرگ خیلی بی‌تربیت بود. بهتر است تو قسمت کنی! روباه، در حالی که با ترس به سر بریده گرگ نگاه می‌کرد، گفت: چشم سرورم! الاغ را وقت صبحانه میل کنید. آهو برای ناهار شما. خرگوش هم بماند برای شامتان که باید غذای سبک خورد! شیر از این قسمت کردن خیلی خوشحال شد و از روباه پرسید: ببینم، این تقسیم درست و قشنگ را از کجا یاد گرفته‌ای؟ روباه گفت: از سر بریده گرگ!



منبع: کتاب «شیرین‌تر از عسل»، انتشارات موعود عصر (عج).



# پیشوایان تاریکی: انجمن مخفی یهود

محمد مدرّسی



دانشمند اعظم، پیراهن خون‌آلود یحیای نبی(ع) را بالا گرفت و قطرات تازه خون، از پیراهن یحیای نبی(ع) چکید و بر زمین ریخت. دانشمند اعظم فریاد کشید: می‌بینید؟! می‌دانید این نشانه چیست؟ نشانه آمدن پیامبر آخرالزمان است!<sup>۱</sup>

سران انجمن با نگرانی به هم نگاه کردند. یکی از کاهنان گفت: ممکن است نور محمد(ص)، مانع ارتباطات ما کاهنان با عالم ماوراء شود و دیگر کاهنان با او هم‌سخن شدند: نباید بگذاریم او به دنیا بیاید.<sup>۲</sup> خاخامی آشفته از گوشه میز سنگی، خود را جلو کشید و گفت: چند قرن است که به اینجا مهاجرت کرده ایم و نتوانسته‌ایم جلوی این وقایع را بگیریم. آن از هاشم که آن زمان که در «خیبر» بود، نتوانستیم او را به قتل برسانیم و این هم عبدالمطلب که اکنون سلامت و سالم در مقابل چشمانمان جولان می‌دهد.<sup>۳</sup> آنگاه محکم روی میز کوبید و گفت: باید کاری کرد و رو به دانشمند اعظم پرسید: به ما جزئیات دقیق‌تری از پیراهن یحیی بدهید.

دانشمند اعظم درنگی طولانی کرد و گفت: وقتی پیراهن یحیی(ع) خون‌لود می‌شود، نشانه این است که پیامبر آخرالزمان به دنیا می‌آید. نشانه‌ها نشان می‌دهد که این پیامبر در خانواده عبدالمطلب به دنیا می‌آید. باید شبانه به خانه عبدالمطلب برویم و فرزند نوتولّد یافته‌اش، عبدالله را به قتل برسانیم.<sup>۴</sup>



## یهودیان و تلاش برای قتل عبدالله(ع)

یهودیان که پس از گذراندن دورانی سیاه و تاریک به دشمنان جدّی پیامبران الهی تبدیل شده بودند، چند قرن پیش از ولادت حضرت خاتم الانبیاء(ص)، در شهرهای مهمّ «شبه جزیره عربستان»، از جمله «یثرب» ساکن شده بودند و تجارت‌های مهمّ و سودآور آن مناطق برای آنان بود. از جمله مایملک‌های آنان، «خیبر» و «فدک» بود که هر دو پس از ظهور اسلام، به دست حضرت امیرمؤمنان علی(ع) فتح شد.



یهودیان که به تأیید «قرآن کریم»، تمامی نشانه‌های پیامبر آخرالزمان را می‌دانستند،<sup>۵</sup> می‌خواستند ایشان را به قتل برسانند و چنین موضوعی بارها و بارها در طول تاریخ زندگی رسول اکرم(ص) ثابت شده است. آنها پیش از ولادت حضرت محمد مصطفی(ص)، می‌خواستند از ولادت ایشان جلوگیری کنند؛ چرا که می‌دانستند نابودی یهودیان به دست پیامبر آخرالزمان(ص) محقق می‌گردد؛ بدین ترتیب، به سوءقصد به جان پدر ایشان، عبدالله بن عبدالمطلب(ع)، اقدام کردند؛ اما موفق نشدند.<sup>۶</sup>

یهودیان در اقدام بعدی، تصمیم گرفتند زنان یهودی زیبارو را بر سر راه عبدالله(ع) بگذارند تا بدین طریق، مانع بسته شدن نطفه رسول خدا(ص) در خاندان فرزندان اسماعیل نبی(ع) گردند. هدف آنها از چنین کاری این بود که مسیر نبوت و وصایت را از خاندان بنی‌اسماعیل به خاندان بنی‌اسحاق (که خودشان از نسل آن حضرت بودند)، منتقل کنند تا بدین ترتیب، منجی آخرالزمان از نسل آنان متولد شود و جهان از آن یهودیان گردد؛<sup>۷</sup> اما موفق به این کار نیز نشدند و خداوند والا چنانچه خود اراده فرموده بود، پاک‌ترین مخلوق خود را از نسل پاک‌زاده اسماعیل نبی(ع) به دنیا آورد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. کراچکی، محمد بن علی، «گنجینه معارف شیعه امامیه»، ترجمه کتاب کنز الفوائد و التعجب، تهران، چاپ اول، بی تا، ج ۱، صص ۱۹۱-۱۹۳.
۲. همان.
۳. با استفاده از طائب، مهدی، «تبار انحراف»، قم، ولاء منتظر، چاپ نهم، ویراست سوم، ص ۱۶۰.
۴. کراچکی، محمد بن علی، «گنجینه معارف شیعه امامیه»، همان.
۵. سوره بقره، آیه ۱۴۶: «کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [=محمد] را می‌شناسند؛ و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند، و خودشان [هم] می‌دانند.»
۶. برای بررسی نقش یهودیان و مهاجرت آنان به عربستان و نقش آنان در اسلام، ن. ک به: طائب، مهدی، «تبار انحراف»، قم، ولاء منتظر.
۷. برای مطالعه بیشتر ن. ک به کتاب اسماعیل شیعی سروستانی، «بنی اسرائیل و بنی‌اسماعیل»، تهران، انتشارات هلال.



# همیشه خندان باشیم

روزی، حضرت یحیی(ع)، حضرت عیسی(ع) را دید که متبسم و خندانند. حضرت یحیی(ع) پرسیدند: چه شده که تو را در حال خوشی می‌بینم؟ مثل اینکه تو (از عذاب خدا) ایمن هستی.

حضرت عیسی(ع) فرمودند: تو چرا عبوس و غمگین هستی؟ مثل اینکه از رحمت خدا مأیوسی! در نتیجه گفتند: منتظر می‌مانیم تا خداوند تکلیف را روشن کند. پس خداوند به آن دو وحی فرمود: «بهترین شما دو تا در نزد من آن کسی است که چهره‌اش متبسم و خندان است و به من خوش گمان‌تر.»<sup>۱</sup>

منبع: «سرمایه سخن»، ج ۲، ص ۳۴۹؛ به نقل از «شرح نهج البلاغه»، ابن ابی الحدید.



# مصرف گرایبی

مریم محبی



این روزها زیاد کلمه مصرف گرایبی را شنیده‌ایم، اما مصرف گرایبی چیست و از کی سر و کله‌اش تو زندگی‌ها پیدا شد؟

ماجرا به حدود ۲۵۰ سال پیش بر می‌گردد، زمانی که اروپا وارد مرحله انقلاب صنعتی شد. صنعتی شدن باعث می‌شد که حجم بسیار زیادی کالا تولید شود که برای فروش آنها نیاز بود، سبک زندگی مردم تغییر کند.

تا پیش از این اتفاق، مصرف مردم معمولاً بر اساس نیازهایشان بود. یعنی فقط زمانی خرید می‌کردند که به آن کالا نیاز اساسی داشتند و اگر نبود، یک پای زندگی‌اشان لنگ می‌زد. پس نیاز بود این سبک زندگی تغییر کند تا این کالاهای تولید شده، روی دست سرمایه دارها باد نکند، پس تلاش‌ها برای تغییر سبک زندگی شروع شد.

هر روز یک نیاز جدید به لیست قبلی‌ها اضافه می‌شد و به بخشی از زندگی‌مان گره می‌خورد؛ به طوری که نتوانیم آن را حذف کنیم. نتیجه چه بود؟ خرید، خرید و باز هم خرید!

پس مصرف‌گرایی یک تعریف ساده دارد:  
خرید هرچه بیشتر، مصرف هرچه بیشتر، همراه با دور ریختن هرچه بیشتر کالاها.

پس از ورود رسانه‌ها به زندگی مردم، توجه سرمایه‌دارها به این بخش هم جلب شد و سهامدار عمده رسانه‌ها در دنیا شدند؛ تا جایی که امروز رسانه‌ها به عنوان بازوی اصلی نظام سرمایه‌داری، مهم‌ترین نقش را در تغییر سبک زندگی ما دارند. تبلیغات دائم، مسابقه و جشنواره‌های مختلف، حراج‌های فصلی، رواج مدهای جدید، نمایش تجملات و این روزها هم که سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها سردمدار این ماجرا هستند که هر روز نمایش جدیدی همراه با کالاهای جدید به زندگی‌مان تحمیل کنند. اگر ماجرا به مقداری خرید و اسراف ختم می‌شد، شاید می‌شد چشم‌پوشی کرد. ماجرا زمانی جدی‌تر می‌شود که این سبک زندگی به بخش‌های دیگر زندگی هم تعمیم پیدا می‌کند.

آدم‌های اطرافمان زودگذر و مقطعی که با اولین ناملاامت کنار گذاشته می‌شوند. با اولین فشار کاری از محل کار فرار می‌کنیم و دائم در حال شکست‌های شغلی متعددییم. مطالعه‌های ما سطحی و گسترده و متنوع است و دنبال لقمه‌های کوتاه و آماده‌ایم و دیگر روحیه تحقیق و عمیق خواندن و فهمیدن نداریم.

همه اینها و بسیاری دیگر آسیب‌های زندگی مصرف‌گرای ماست که معمولاً از چشمان پنهان است. حالا خوب دور و اطرافتان را نگاه کنید! رنگ و بوی زندگی مصرف‌گرا را می‌بینید؟



# متفاوت عیدی بدهیم

زهرا رهنما



نوروز که از راه می‌رسد، همه ما در هر سن و سالی که باشیم، چشم به راه اسکناس‌های تانخورده و بسته‌های کوچک و بزرگ عیدی می‌شویم. کاری که حقیقتاً باعث شادی ما می‌شود. عیدی گرفتن، بدون شک یکی از خاطرات خوب دوران کودکی ماست. رسمی که از قدیم، در نوروز وجود داشته است و مورد تأیید ائمه اطهار(ع) هم قرار گرفته است؛ اما اینکه بهترین هدیه چیست و چگونه باید آن را به دیگران داد و آداب آن چیست، موضوعی است که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته است. خود شما چه هدیه‌ای را می‌پسندید؟!



## اولین هدیه

قبل از هر چیز باید گفت که اولین انسان شایسته‌ای که شما باید به او هدیه بدهید، امام حجّ و حاضر زمانتان است. کسی که هرگز شما را از یاد نمی‌برد و مطمئن باشید که کوچکترین هدیه‌ها را بدون پاسخ نمی‌گذارد. پس لحظه تحویل سال، هدیه به امامان را فراموش نکنیم.

## هدیه عذاب آور

گاهی وقت‌ها، هدیه ای که می‌دهیم، طرف مقابل را خوشحال نمی‌کند؛ بلکه باعث سختی و معذب شدن او هم می‌شود. یعنی هدیه‌ای که می‌دهیم، آنقدر از حدّ طرف مقابل بیشتر است که نمی‌تواند آن را جبران کند و به خاطر این عدم توانایی، شرمنده شود. پس باید همیشه رعایت حال طرف مقابل را بکنیم و کار نسنجیده‌ای انجام ندهیم. همانطور که پیامبر(ص) می‌فرماید: «یکی از راه‌های گرامیداشت برادر مسلمان، هدیه دادن به او در حدّ توان است بی آنکه به دلیل این هدیه دادن به سختی افتد.»<sup>۳</sup>



خارها گل می‌شوند!

نفس هدیه دادن، همیشه باعث خوشحالی می‌شود. همین که به کسی بسته هدیه‌ای می‌دهیم، قبل از آنکه آن را باز کند و بداند چیست، بسیار خوشحال می‌شود. همین نکته، نشان دهنده این است که هدیه، در نفس خود محبت آور است. این جمله از پیامبر(ص) بسیار مشهور است که: «هدیه بدهید تا دوستی‌ها را به خود جلب کنید. هدیه بدهید چراکه کینه‌ها را برطرف می‌کند.»<sup>۱</sup>

پس اگر با کسی خورده حساسی دارید یا از او ناراحتید یا دلش را شکسته‌اید و می‌خواهید جبران کنید، گذشته را کنار بگذارید و با یک هدیه، به سراغش بروید. حتماً نتیجه می‌گیرید.



هر چه از دوست رسد، نیکوست

ردّ هدیه ممنوع!

گاهی پیش می‌آید که از روی ترحم و دلسوزی، وقتی فرد ناتوان و تهیدستی، چیزی برای هدیه به ما می‌دهد، آن را نمی‌پذیریم و در خیال خود در حقّ او بزرگواری کرده‌ایم؛ در حالی که این کار ما، سبب تحقیر شدن فرد مقابل می‌شود و پیامبر اکرم(ص)، به شدت از این کار نهی کرده‌اند. روزی زن فقیری برای یکی از همسران پیامبر(ص) هدیه‌ای آورد و او از روی دلسوزی، آن هدیه را رد کرد. وقتی این ماجرا را برای رسول خدا(ص) تعریف کرد، ایشان به شدت ناراحت شدند و فرمودند: «چرا هدیه را نپذیرفتی؟ آیا نمی‌دانی که با این کارت او را تحقیر کرده‌ای؟!»<sup>۴</sup>

اگر از آن دسته آدم‌هایی هستید که به کمتر از ساعت‌های طلای مارک‌دار و سوئیچ اتومبیل و شمش طلا و... راضی نمی‌شوید، بدانید که با این توقع، فقط خودتان را به زحمت می‌اندازید؛ زیرا چنین سخت‌گیری‌هایی در هدیه دادن، توقع ایجاد می‌کند و اگر نتوانید هدیه را جبران کنید، نه تنها دیگر از چنین هدیه‌هایی خبری نیست، بلکه نتیجه‌اش آزرده شدن و کدورت از همدیگر است. هدیه نباید جنبه اجبار و مشقت‌بار به خود بگیرد. هیچ وقت اسب پیش کشی را دندان شمارید! در آموزه‌های اسلام هم، هرگز بر جنبه مادی هدیه تأکید نشده است. «هیچ مسلمانی به برادر خود هدیه ای باارزش تر از کلام پند آموز و حکمت آمیز تقدیم نکرده است.»<sup>۲</sup>



## توقع، بی توقع!

اگر زمانی خواستید لطفی کنید و به شخصی هدیه بدهید، دو نکته را هرگز در نظر نگیرید: یکی اینکه توقع داشته باشید، حتماً آن را جبران کند و دیگر اینکه فقط به کسی هدیه بدهید که او قبلاً برایتان کاری کرده یا به شما هدیه‌ای داده است. بی دریغ ببخشید و بدانید که اولین کسی که از این بخشش سود می‌برد، خودتان هستید. به فرموده امام علی(ع): «به کسی که به تو هدیه نمی‌دهد، هدیه بده.»<sup>۵</sup> مسلماً چنین کاری، موجب محبت و دوستی خواهد بود.

## هدیه به اموات

کسانی که از میان ما رفته‌اند و به قول معروف دستشان از دنیا کوتاه است، بسیار بیشتر از ما نیازمند و چشم به راه هدیه هستند. نوروز فرصتی است تا با فرستادن صلوات و فاتحه و خواندن قرآن و دادن خیرات، یک عیدی مناسب به آنها بدهیم.



## درمان حسادت

تا به حال شده که کسی در اطرافتان باشد که مدام به شما حسودی می‌کند؟ اگر اینطور باشد، قطعاً از شر حسادت او در امان نیستید. اگر دوست دارید که چنین افرادی را نرم کنید و حسادتشان را از بین ببرید، بهترین راه این است که برایشان هدیه ببرید؛ زیرا «هدیه دادن، حسادت را از بین می‌برد».

نوروز را فرصتی بدانیم برای اینکه به بیماران، یتیمان، سالمندان و ... که چشم به راه محبت هستند، هدیه کوچکی بدهیم.

شاید شما هم از کسانی بوده باشید که همیشه از این موضوع که به بچه‌های بزرگتر بیشتر عیدی می‌دادند، ناراحت می‌شدید؛ اما فکر می‌کردید که حق با آنهاست و باید به بزرگتر بیشتر عیدی داد. اما این حدیث از پیامبر(ص)، مسئله را کاملاً روشن می‌فرماید: «وقتی هدیه‌ای به فرزندان می‌دهید، بین آنان مساوات را رعایت کنید.»<sup>۶</sup>

## رعایت عدالت

پی‌نوشت‌ها:

۱. «الکافی»، ج ۵، ص ۱۴۴، ح ۸.
۲. «بحارالانوار»، ج ۲، ص ۲۵، ح ۸۸.
۳. «الکافی»، ج ۵، ص ۱۴۳، ح ۸.
۴. «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال»، ج ۵، ص ۸۲۱، ح ۱۴۴۸۲.
۵. «وسائل الشیعه»، ج ۱۲، ص ۲۱۴، ح ۱۶.
۶. «کنز العمال»، ص ۴۴۶.

# ۱۴۰۰ < ∞

ویرایش و تدوین: لیلیا سادات آرامی

اعضای یک گروه تحقیقاتی ژاپنی پس از اینکه دریافتند «قرآن کریم» ۱۴۰۰ سال قبل، نتیجه پژوهش آنها را بیان کرده، به دین مبین اسلام گرویدند.

داستان مسلمان شدن این گروه ژاپنی، از جست‌وجوی ماده میثالویندز که یک ماده پروتئینی است، آغاز شد. این ماده در مخ انسان و حیوانات به میزان بسیار کمی ترشح می‌شود و این ترشحات پر از گوگرد است که به راحتی می‌توان با روی، آهن و فسفر مخلوط گردد.

این ماده برای بدن انسان، ماده‌ای بسیار مهم به حساب می‌آید و موجب کاهش نسبی کلسترول (چربی مضر) در بدن انسان می‌شود و همچنین برای تقویت قلب و تنظیم تنفس نیز مفید است.

ترشح این ماده از مخ انسان بعد از سن ۱۵ سالگی تا سن ۳۵ سالگی افزایش می‌یابد و بعد از این سن تا ۶۰ سالگی ترشح آن کم می‌گردد. بنابراین، این ماده در انسان به راحتی قابل دستیابی نیست.

در حیوانات نیز نسبتاً این ماده بسیار کم است. از این رو گروهی از دانشمندان ژاپنی اقدام به جست‌وجوی این ماده که باعث از بین رفتن عوارض پیری می‌شود در میان گیاهان کردند، و تنها این ماده را در دو گیاه پیدا کردند: انجیر و زیتون که در قرآن نیز با نام «التین» و «الزیتون» بیان شده است.

پس از نتیجه‌گیری که استفاده تنها از انجیر یا زیتون فایده مورد نظر را برای سلامتی انسان ندارد، پس باید آن دو را با هم مخلوط کرد، این پژوهشگران ژاپنی نیز بهترین میزان را برای بهترین تأثیر یک انجیر و هفت زیتون یافتند.

سپس یک پزشک عربستانی به نام طه ابراهیم خلیفه، شروع به جست‌وجو کردن درباره این دو کلمه انجیر و زیتون در قرآن کریم کرد و فهمید که کلمه انجیر یک بار در قرآن کریم ذکر شده و زیتون ۶ بار به صورت صریح و یک بار به صورت ضمنی در «سوره مؤمنون» به آن اشاره شده، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

«و (نیز) درختی را آفریدیم که از طور سینا می‌روید و از آن روغن و نان خورش برای خورندگان فراهم می‌گردد.»

طه ابراهیم، همه اطلاعاتی را که از قرآن کریم جمع آوری کرده بود، برای گروه تحقیقاتی ژاپنی فرستاد. این گروه هم پس از اطمینان یافتن از این اطلاعات، به دین مبین گرویدند.

منبع: خبرگزاری شبستان

